



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: اعداد صلاة/نوافل/صلاة غفيلة

بعضی از برادران محترم در مورد کلام آیت الله خوئی اعلی الله مقامه که در آخر بحث دیروز مطرح کردیم مطالبی را فرمودند، البته عرض کردیم که دلیل بر دو رکعتی خواندن نمازهای مستحبی اخباری هستند که در باب ۱۵ از ابواب اعداد الفرائض و نوافلها ذکر شده اند خصوصاً خبر ۲ و ۳ که مورد عمل فقهاء ما نیز می باشند و بعلاوه سیره مستمره نیز بر آن جاری شده و اگر روایات مذکور ضعیفی داشته باشند طبق مبنای ما در حجیت اخبار آحاد که قائلیم بنای عقلاء بر حصول اطمینان به صدور است و با توجه به اینکه در قرون و اعصار مختلف اصحاب و فقهاء ما به آن اخبار عمل کرده اند ضعفشان جبران می شود و ما اطمینان پیدا می کنیم که از معصوم صادر شده اند لذا حجت می باشند، خب این یک مبنا می باشد که مبنای آقای بروجردی و امام رضوان الله علیهما و همچنین مبنای ما می باشد ولی مبنای آقای خوئی این نیست ایشان سلسله سند را بررسی می کند و اگر رجال در سند همگی موثق و عادل باشند خبر را حجت می داند و اگر کسی ضعیف باشد خبر را حجت نمی داند و عمل یا اعراض فقهاء را موثر نمی داند خلاصه آقای خوئی طبق این مبنای خودشان در مسئله مشی کرده اند و ما نیز طبق مبنای خودمان مشی کردیم خلاصه آقای خوئی بعد از بحث های مفصل در آخر کلامش همین قول مشهور یعنی دو رکعت خواندن نمازهای مستحبی را پذیرفته و فرموده اگر ما غیر از این روش بخوانیم و از آنچه طریقه ماست دست برداریم در واقع با آنچه که مرتکز در اذهان عامه متشرعه است مخالفت کرده ایم بنابراین "تقوم اتیان بالنوافل رکعتین رکعتین" از واضحات جلیه است و کسی نمی تواند در آن شک کند، کلام ایشان مفصل است که به صفحه ۶۶ از جلد ۱۱ مستند العروه مراجعه و مطالعه کنید.

سوالی نیز در مورد عبدالله بن حسن که در سند روایت قرب الاسناد ذکر شده پرسیده اند، آقای خوئی فرمودند عبد الله بن حسن مورد اعتماد نیست زیرا با امام صادق علیه السلام برخورد منفی داشت، مرحوم مامقانی در تنقیح المقال یک صفحه در مورد عبدالله بن حسن بحث کرده و آخرش هم فرموده ماهیتش برای من روشن نشد، البته اینکه جد او علی بن جعفر است معلوم می شود خیلی از امام حسن مجتبی علیه السلام متاخر می باشد و خود علی بن جعفر از اخیه موسی بن جعفر نقل می کند که معاصر امام کاظم علیه السلام بوده، خلاصه درست روشن نیست عبدالله بن حسن چه کسی است لذا از جهت او سند خبر ضعیف می شود.

خب بحث در مورد اینکه نمازهای مستحبی باید دو رکعتی خوانده شوند به پایان رسید و اما مطلب دیگری که صاحب عروه در ادامه کلامش بیان کرده بود این است که: «و يستحب في جميعها القنوت حتى الشفيع على الأقوى في الركعة الثانية وكذا يستحب في مفردة الوتر»^۱، محشین عروه در مورد استحباب قنوت حواشی دارند: «الأحوط الإتيان به برجاء المطلوبة (الحكيم). يأتي به فيها رجاء (الكلبياني). الأحوط الإتيان به فيها رجاء (الإصفهاني). الأحوط الإتيان بالقنوت رجاء (الحائري). بقصد القرية المطلقة على الأحوط. (آل ياسين)»^۲، آقای بروجردی و امام رضوان الله علیهما در اینجا حاشیه ندارند.

عامه قنوت در نمازهای مستحبی را بدعت و حرام می دانند و با ما در این مسئله اختلاف نظر دارند لذا در این مسئله باید به اقوال عامه توجه داشته باشیم.

سید مرتضی در انتصار در این رابطه فرموده: «مسألة ۴۹ في القنوت: و مما يظن انفراد الإمامية به: القول بأن القنوت في كل صلاة و الدعاء فيه بما أحب الداعي مستحب، و هو قول الشافعي، لأن الطحاوي حكى عنه في كتاب الاختلاف أن له أن يقنت في الصلوات كلها عند حاجة المسلمين إلى الدعاء.

^۱ العروة الوثقى، سيد محمد كاظم يزدي، ج ۲، ص ۲۴۶، ط جماعة المدرسين.

^۲ العروة الوثقى، سيد محمد كاظم يزدي، ج ۲، ص ۲۴۶، ط جماعة المدرسين.

خبر دوم: ﴿وباسناده عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال القنوت في كل ركعتين في التطوع والفريضة﴾.^۷

در آخر جلد دوم جامع الرواة نوشته شده که طریق شیخ صدوق به محمد بن مسلم نیز صحیح است.

خبر سوم: ﴿وباسناده عن صفوان الجمال قال صليت خلف أبي عبد الله عليه السلام أياما فكان يقنت في كل صلاة يجهر فيها ولا يجهر ورواه الكليني عن محمد بن يحيى وغيره عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسين بن سعيد عن ابن أبي نجران عن صفوان الجمال ورواه الشيخ باسناده عن الحسين بن سعيد مثله﴾.^۸

دوتا صفوان داریم؛ صفوان بن یحیی که بسیار جلیل القدر است و صفوان الجمال که این هم خیلی خوب است و از ارادتمندان ائمه علیهم السلام بوده، خدمت امام کاظم علیه السلام رسید و حضرت به او فرمود تو آدم خیلی خوبی هستی ولی اشکالت این است که شترهایت را به هارون الرشید کرایه می دهی، صفوان گفت من کرایه می دهم تا با آنها به مکه بروند، حضرت فرمود وقتی کرایه می دهی دوست داری شترهایت باقی بمانند تا کرایه ات را بگیری؟ گفت بله، حضرت فرمود "من أحب بقائهم كان منهم و من كان منهم فهو في النار"، خلاصه صفوان رفت تمام شترهایش را فروخت، هارون سال بعد خواست به مکه برود فرستاد سراغ صفوان که شتر بدهد، صفوان گفت تمام شترهایم را فروختم چون پیر شده ام و دیگر توان نگهداری و رسیدگی به آنها را نداشتم، هارون گفت من می دانم که موسی بن جعفر به تو گفته و تو این کار را کرده ای، خلاصه صفوان جمال بسیار خوب بوده.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالى... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على
محمد و آله الطاهرين

و الحجة لنا: مضافا إلى إجماع الطائفة قوله تعالى "و قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ"^۳.

فإذا قيل: القنوت هاهنا هو القيام الطويل.

قلنا: المعروف في الشريعة أن هذا الاسم يختص الدعاء في الصلاة، و لا يعرف من إطلاقه سواه، و بعد فإننا نحمله على الأمرين.^۴

صاحب رياض در رياض المسائل فرموده: «(الثاني: القنوت في كل) ركعة (ثانيه) من كل صلاة - فريضة أو نافلة إجماعا كما في: الانتصار والخلاف والمنتهى ونهج الحق للعلامة، وعن المعتمر، للصحاح المستفيضة وغيرها من المعتمدة.»^۵

در پاورق آدرس دقیق تمام کتب مذکور در کلام صاحب رياض ذکر شده.

کتاب "نهج الحق و كشف الصدق" تالیف علامه می باشد که شخصی بنام ابن روزبهان در مقابل علامه قیام کرد و با عبارتهای نامناسب به گمان خودش نهج الحق را رد کرد و بعدا علامه مظفر که یکی از علماء بزرگ نجف بوده شش جلد کتاب بنام دلائل الصدق در تایید نهج الحق علامه نوشت و کلام علامه را ثابت کرد و تمام ایرادات آنها بر علامه را رد کرد.

خب حالا به سراغ روایات وارده در این رابطه می رویم که در وسائل الشیعة و در ابواب القنوت ذکر شده اند و عنوان باب اول این است که: "باب استحبابه في كل صلاة جهرية أو اخفائية فريضة أو نافلة وكراهة تركه".

خبر اول: ﴿محمد بن علي بن الحسين باسناده عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال: القنوت في كل الصلوات﴾.^۶

در آخر جلد دوم جامع الرواة که کتاب بسیار خوبی است و در زمان آقای بروجرودی چاپ شده تمام طرق شیخ صدوق و شیخ طوسی به روات ذکر شده و در ما نحن فيه نوشته شده "طريقه الى زرارة بن اعين صحيح".

^۳ سوره بقره، آیه ۲۳۸.

^۴ الانتصار، سيد مرتضى، ص ۱۵۲.

^۵ رياض المسائل، سيد على طباطبائي، ج ۳، ص ۴۸۴.

^۶ وسائل الشیعة، شيخ حرعاملی، ج ۴، ص ۸۹۵، ابواب قنوت، باب ۱، حدیث ۱، ط الاسلامية.

^۷ وسائل الشیعة، شيخ حرعاملی، ج ۴، ص ۸۹۶، ابواب قنوت، باب ۱، حدیث ۲، ط الاسلامية.

^۸ وسائل الشیعة، شيخ حرعاملی، ج ۴، ص ۸۹۶، ابواب قنوت، باب ۱، حدیث ۳، ط الاسلامية.